

اطلاع رسانی:

نشریه فنی مرکز مدارک علمی (مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران)

دوره سوم شماره ۴۳

مسایل نمایه سازی نشریات علوم اجتماعی

از: دی. جی. فوسکت

ترجمه: مهین دستمالچی

با کاربرد کامپیوتر در تنظیم مدارک، نیاز فوری به حل مسائل نمایه سازی و رده بندی بیش از پیش احساس می شود، دلایل این امر کاملاً آشکار است: فهرست نویسی و رده بندی تا زمانیکه فقط برای تنظیم کتابهای کتابخانه بکار میرفت اگر به همان شیوه ای تنظیم می شد که متخصص به موضوع تخصصی خود نگاه میکرد اشکالی ایجاد نمی شد، چنین تخصصی اگر قفسه ها به دقت نشانه گذاری شده بود بیابد با یک نظر می توانست امهاتی را که در زمینه تخصصی اش نوشته شده بود بیابد و با موفقیت در میان کتابهای بسیاری بجستجو پردازد و احتمالاً نوشته مورد نظرش را هم بیابد. اغلب فراموش می شود که عنوان یک کتاب کاملاً معرف محتوای آن نیست و محتوای اطلاعاتی یک قفسه کتاب، بسیار زیاد است. یکی از اشتباهات تائراوری که معمولاً فهرست نویس مرتکب می شود "اطلاع"^۱ که بوسیله سیستمهای بازیابی بوجود می آیند با هم در آمیخته اند، اولین اطلاع که معمولاً به آن "داده ها"^۲ میگویند. صورت ریز مطالب را بیان می کند. امروزه همه با "بانک داده ها"^۳ و یا "آرشیو داده ها"^۴ در زمینه علوم اجتماعی آشنا هستند. اینها مخازنی هستند از مطالبی که در جواب سئوالات خاص استخراج شده اند و سرشماری احتمالاً نمونه اعلاای آن است. نوع دوم اطلاع که بهتر است آنرا "گفتارها"^۵ بگوئیم شامل نوشته هائی هستند که بنظر می رسد بیش از پاسخی به سئوالی خاص باشند و اگر چه ممکن است در پاسخ سئوالی خاص نوشته شده باشد فقط به بحث درباره آن چیز نمی پردازد که در سئوال مطرح شده است.

بنابراین یک مدرک مربوط به "ارتباط از هم پاشیدگی خانواده با جرائم جوانان" ممکن است حاوی مطالبی که درباره تعداد طلاقی که در زمان و مکانی خاص واقع شده باشد. بهرحال هدف مدرک فقط جواب به این سئوال نیست و در حقیقت نویسنده عملاً آن اطلاعات بخصوص را در ضمن "گفتار" بیان میکند. بنابراین نه نویسنده و نه خواننده میتوانند ادعا کنند که این مدرک به تنهائی پاسخ سئوال "ارتباط از هم پاشیدگی خانواده با جرائم جوانان" را داده است. میتوان ادعا کرد که این درهم آمیختن

¹ - Information

² - Data

³ - Data bank

⁴ - Data Archives

⁵ - Discourse

“داده ها” و “گفتارها” هرگز در ذهن کتابداران وجود نداشته است، چه کتابداران همیشه کتابهای مرجع را از کتابهای دیگر تمیز داده اند، به این ترتیب کتاب مرجع برای مشاوره فوری تهیه شده نه اینکه از آغاز تا انتها خوانده شود. کتاب مرجع معمولاً حاوی رده بندی و فهرست خاص خود می باشد و استفاده از آن در ارتباط با کتاب دیگری نیست. بنابراین منطقی است که می تواند تمام فرهنگ نامه ها، کتابهای راهنما و غیره را در یک قسمت کتابخانه نگهدارد و نشریات ادواری را در جای دیگر قرار دهد حتی اگر مرجع این دو نوشته یکی باشد. فکر دسته بندی کتابها بر اساس محتوای موضوعی از قدیم وجود داشته است ولی تا زمانیکه رده بندی دهمی^۱ ملویل دیوئی در سال ۱۸۷۶ برای اولین بار چاپ شد هیچ رده بندی علمی وجود نداشته است. بوجود آمدن چنین سیستمی در روزگار شکوفائی علوی که به رده بندی میپرداختند تصادفی نبوده است یعنی زمانیکه تنظیم شواهد عبارت بود از توصیف انواع منفرد و ذکر جنبه های خاص و میزان شباهت و اختلافشان با انواع دیگر. چنین تک نگاریهایی می توانستند بر اساس موضوعاتشان رده بندی شوند. دیوئی تشخیص داده ساده ترین راه برای بوجود آوردن چنین نظم و ترتیبی در روی قفسه های کتابخانه نشان دادن موضوع با شماره های دهمی است. بنابراین هر مرحله از تقسیم بندی فرعی جنس و نوع افزودن نشانه ای در طرف راست عددی نموداری می شد مانند:

پستانداران	۵۹۹
پریماتها	۵۹۹/۴
بوزینه ها	۵۹۹/۸۸
گوریل ها	۵۹۹/۸۸۴

اما دیوئی از ابتدا پی برد که مواد و تک نگاریها را می توان در بیش از یک رده قرار داد زیرا یک گروه می توانست بر پایه خصوصیات مختلف رده بندی شود، مانند:

پرندگان	پرندگان
پرستوها	پرندگان کالیفرنیا
سارها	پرندگان ماسا چوستس

دیوئی برای اینکه بتواند مشخصات جغرافیائی را نشان دهد جدولی ابداع کرد که با استفاده از عدد ۰۹ در مورد لزوم میشد آنرا به رده بندی اصلی اضافه کرد چاپهای بعدی دیوئی این تکنیک را بشکل محدودی گسترش داده اند بعنوان مثال “اعتصاب” طبق این رده بندی بطریق زیر تقسیم می شود.

اعتصابها

۳۳۱/۸۹۲	در صنایع بخصوص مثل ۰۰۱-۹۹۹
۳۳۱/۸۹۲۸	
۶۲۲ علوم	صنعت معدن می باشد
۳۳۱/۸۹۲۸۲۲ بنابراین	اعتصابها در معادن می باشد

^۱ - Melvil Dewey

در سال ۱۸۹۵ پل اتله^۱ و هنری لافونته^۲ بر آن شدند که از مدارک دنیا یک فهرست برگه ای جهانی بوجود آورند و تصمیم گرفتند که آنرا به روش موضوعی تنظیم نمایند و امیدوار بودند که از طبقه‌بندی دیوئی استفاده کنند ولی پی بردند که این رده بندی در ترکیب مفاهیمی که در موضوعهای مختلف بخصوص در نشریات ادواری منتشر می‌شد انعطاف لازم را ندارد بنابراین به گسترش روشی بنام "بسط"^۳ بروکسل^۴ که سالهاست بنام U. D. C شناخته شده است پرداختند. هر چند که UDC بر همان مبنائی بنا شده است که D. C یعنی اساس هر دو آنها که عبارت از سلسله "اصطلاحات تک مرتبه ای" بر اساس رابطه جنس و نوع می باشد، اما گرایش اخیر UDC که اکنون تحت نظارت فدراسیون بین المللی دکومانناسیون (FID) می باشد بر آن بوده است که به رده بندی کنندگان آزادی بیشتری بدهد تا اصطلاحهای مورد نیاز خود را انتخاب و به بهترین و مناسب ترین ترتیب با هم تلفیق نمایند. اینکار بوسیله علائم و جدولهای کمکی انجام میشود که در آنها تقسیمات فرعی که میتوانند در بسیاری از موضوعات بکار رود فهرست شده اند. این تقسیمات با علائم مخصوص خود می توانند بوسیله اعداد^۴ شاخص ۹-۰ به نشانه های موضوعی مربوط شوند.

مورد استفاده	طرز خواندن	نشانه ها
ارتباط اعداد نامتوالی	بعلاوه	+
ارتباط اعداد متوالی	ممیز	/
در ارتباط با	دو نقطه	:
رابطه (تبعیت)	کروشه	[]
زبان	دو خط موازی	=
شکل	صفر داخل پرانتز	(۰)
محل	۱/۹ داخل پرانتز	(۱/۹)
نژاد و ملیت	دو خط موازی داخل پرانتز	(=)
زمان	گیومه بسته	" "
تقسیمات فرعی برای اشخاص	A تا Z	A/Z
اعداد تحلیلی خاص	خط تیره	-
از نقطه نظر	نقطه دو صفر	.00
اعداد تحلیلی خاص	نقطه صفر	.0

بهر حال U. D. C موفق نشده است که خود را از پایه اش دیوئی که موضوعات آن هنوز بر حسب سلسله مراتب منفرد تقسیم شده اند خلاص کند در چاپ اخیر U. D. C در رده ۳۷ یعنی آموزش و پرورش به تسلسلی اینچنین بر میخوریم:

۳۷/۰۱۸

شکل بنیادی آموزش و پرورش

¹ – Paul Otlet

² – Henri La Fontain

³ – Brussels expansion

⁴ – Mono Mierarchical

واضح است که دو موضوع آخر را نمی توان انواعی از موضوعهائی دانست که بی واسطه قبل از آنها قرار گرفته است اما در جدول و در ترتیب، شماره ها بنحوی قرار گرفته اند که بنظر میآید وابسته به قبل هستند این تلفیق مستمر سلسله مراتب درست و سلسله مراتب نادرست بی شک فایده استفاده از U. C. D. را برای دکوماناسیون امروزی محدود کرده است بخصوص در علوم اجتماعی زیرا در اینجا سلسله مراتب نادرست بیشتر نمایانگر نظری کهنه و منسوخ به علوم اجتماعی است که هفتاد سال پیش دورگیم^۱ و موس^۲ در مقاله معروف خود تحت عنوان "چند نوع از رده بندیهای ابتدائی" مطرح نمودند. مسئله اساسی در اینجا آزاد گذاشتن اصطلاحات بوده است، تا بتوانند مستقل و آزاد از یکدیگر رشد کنند و منعکس کننده پیشرفت دانش باشند. یکی از معمولترین انتقادات بر این رده بندی اینست که اصطلاحات را در توالیهای از پیش اندیشیده شده ای قرار میدهد و برای همیشه آنها را متحجر می کند. این گفته عاری از حقیقت نیست. آیا واقعاً جدول ۳۷ UDC که موضوع "نگرش والدین به مدرسه" را بعنوان نوعی از "آموزش مدرسه ای" آورده چنین نکرده است؟ ولی مسلماً چاره کار این نیست که تمام توالیهای مرتبه ای را فقط بدلیل نامناسب بودن تعدادی مردود بدانیم. بلکه باید در نظر بگیریم که استفاده کنندگان این توالیها چه انتظاراتی از آنها دارند. اگر از این اصل اساسی شروع کنیم که استفاده کنندگان سیستمهای دکوماناسیون دانش پژوهان اند، میتوانیم بگوئیم آنچه میکنند کامل نمودن طرح مفاهیمی است که تا حدودی در ذهنشان ساخته اند. مراجعه کنندگان نوشته ها را به امید یافتن مطلب مورد نیاز بررسی می کنند گیاه شناس قرن نوزدهم کتاب لیناوس Linnaeus را بمنظور یافتن^۳ توصیف گیاهان میخواند تا بتواند بوسیله آن انواع گیاهانی را که گردآوری کرده است رده بندی کند توصیف های اجتماعی مردم شناسان فرهنگی نیز برای منظور مشابهی مورد استفاده قرار می گیرد. مطالب مربوط به چیزهای تازه وقتی برای ما قابل درک میشود که بتوانیم ارتباط آنها را با آنچه که در ذهن داریم پیدا کنیم و بعبارت دیگر آنها را رده بندی نمائیم، پس اگر سیستمی که توسط آن به این دانش تازه دست می یابیم درباره این رابطه ها اطلاع نادرستی بدهد نه تنها کمکی نمی کند، بلکه مانع تحقیقاتمان نیز می شود برای بعضی از محققین "نگرش والدین به مدرسه" نوعی از "آموزش مدرسه ای" نیست از نظر آنها این رده بندی گمراه کننده است نه راهنما. با وجود این از کار روانشناسان تجربی امروزی مثل ژان پیاژه^۴، ج، س. کرد^۵ و نیز وج^۶ پ. گیلفورد و خیلی از افراد دیگر معلوم میشود که رده بندی مطالب یا دسته بندی اطلاعات نقش اساسی در پیشبرد قدرت فهم و درک

¹ - Durkheim

² - Mauss

³ - Description

⁴ - Jean piaget

⁵ - J. S. Bruner

⁶ - J.P. Guilford

ما از دنیای اطرافمان دارد. آنها نشان داده اند که چنین رده بندی‌هایی نه بصورت سلسله مراتب منفرد بلکه بطور درهم کشیده ای افزایش می یابند. بنابراین مشکل اساسی نظام‌های رده بندی امروزی اینست که بجای توالی های خطی منفرد موضوعات، شبکه درهم تنیده ای از اصطلاحات ابداع کند. در اوائل سال ۱۹۳۰ دو نفر مستقل و جدا از یکدیگر روش "تجزیه و تحلیل جنبه ای" را که از عهده این کار برمی آید ابداع کردند. یکی از آنها ج. ^۱ کرد و نیز در فرانسه و دیگری س. ^۲ رانگاناتان در هند بود. کرد و نیز کوشش خود را محدود به زمینه مهندسی کرد. ولی رانگاناتان ابتدا از طریق رده بندی کلن و اخیراً از طریق کار تحقیقی مرکز ^۳ تحقیقات و آموزش دکومانناسیون D. R. T. C موسسه استاندارد هند در بنگال ^۴ سعی نموده است تا یک فرضیه کلی را که قابل کاربرد در تمام رشته های دانش باشد پیوراند. نفوذ او در دنیا به آن حد گسترش یافته است که روش تجزیه و تحلیل جنبه ای او در ویرایش‌های جدید U. D. C و حتی D. C وارد شده است. منظور از روش "تجزیه و تحلیل جنبه ها" تقسیم یک موضوع یا طبقه به چند مجموعه از اصطلاحات است بطوریکه هر مجموعه یا جنبه ارتباطش را با طبقه مربوط حفظ کند و نشانه جداگانه و مشخص بگیرد، بطوریکه مستقلاً بکار گرفته شود یا به جنبه های دیگر افزوده گردد.

به علاوه این جنبه ها را همگی باید تحقق عینی پنج مقوله ^۵ مجرد بنیادی دانست که عبارتند از: زمان، مکان، نیرو، ماده و شخصیت. جنبه های زمان و مکان که در تمام طبقات مشترک هستند نشان دهنده تقسیمات فرعی جغرافیائی و زمانی مقوله های دیگر هستند: انرژی شامل اصطلاحاتی است که در هر موضوع به عمل یا فرآیندی دلالت میکنند، ماده شامل اصطلاحاتی است که به جسم و جوهر برمیگردد. مهمترین و در عین حال مبهم ترین جنبه ها، جنبه شخصیت است که شامل اصطلاحاتی است که بر اسم و خصائص اصلی هر موضوع دلالت میکند. بنابراین "تجزیه و تحلیل جنبه ای" به طرح رده بندی امکان میدهد که برای غامض ترین موضوعات نیز نشانه های خاصی فراهم کند و از آنجائی که هر جنبه جدا از سایرین محسوب و نشانه گذاری شده، جنبه های مختلف موضوعات پیچیده از پیش هم آراسته نشده اند. بلکه بنا به ضرورت مطلب تلفیق و هم آراسته میگردند. متأسفانه تحقیقات اخیر DRTC بر رشد طبقه بندی کلن که بنحو ناقصی از برای کاربرد در علوم اجتماعی توسعه یافته، پیشی گرفته است. اما گروه ^۶ تحقیقاتی رده بندی بریتانیا، تحقیقات زیادی بر این توسعه یک طرح رده بندی عمومی جدید یا "زبان نمایه سازی" انجام داده است که نتایج آن در دو نشریه از انتشارات انجمن ^۷ کتابخانه های بریتانیا Association british library منتشر شده است. عجیب بنظر میرسد اگر بگوئیم که رده بندی میتواند تا حدی به "زبان نمایه سازی" کمک کند، اما در واقع این امر را

^۱- G. Cordonier

^۲-S.R. Ranganathan

^۳ - Documentation research and training center of the Indian institute

^۴ - Banglor

^۵ - Categories

^۶ - British classification research group

^۷ - Classification research group, classification and information control, London, Library association 1970.

نمی‌توان نادیده گرفت. عجیب است که اشکال جدید رده بندی بیش از همه به سیستمهای ماشینی شده که رده بندی را مطرود میدانند کمک کرده است، بطوریکه سیستمهای ماشینی، رده بندی را تحت نام های دیگری مورد استفاده قرار داده اند.

یکی از این نامهای بسیار مورد علاقه " واژه نامه" است، هفته ای نمیگذرد که خبری از یک واژه نامه در زمینه تازه ای از علوم نشنویم. در حقیقت گفتنی تازه درباره واژه نامه کمتر هست و هیچیک از این واژه نامه ها از حیث بسط تجزیه و تحلیل به پای Thesaurus of English words and phrases اثر "پیتر^۱ مارک راجت" نمی رسند. در این واژه نامه لغات مثل جنبه های رانگاتانان در گروههایی بر اساس مقولات انتزاعی بنیادی از قبیل: وجود، کمیت، زمان، دگرگونی، علیت، مکان، ماده و غیره منظم شده اند و در آن پنج طبقه از مقولات و متجاوز از ۲۰ طبقه منفرد و بسیاری تقسیمات فرعی وجود دارد. به دنبال واژه نامه یک فهرست الفبائی نشان میدهد که بسیاری از لغات بنا به ماهیت مطالب در چندین رده قرار می گیرند. وقتیکه شخص از فهرست الفبائی به قسمت رده بندی شده مراجعه کند اصطلاح مورد نظر را با اصطلاحات دیگری که از لحاظ دستوری و نحوی و معنا با آنها ارتباط دارد در یک گروه پیدا می کند. بعد از اینکه فهرست الفبائی استفاده کننده را به متن کتاب راهنمایی نمود نظام رده بندی با نشان دادن یک طرح ساخته شده او را به فکر وامیدارد. این ساخت نشان دهنده طرز فکر ما و بکار بردن زبان برای بیان افکارمان می باشد. اساس بیشتر واژه نامه های امروزی بر پایه فهرست الفبائی کلمات قرار دارند. بعضی هم بی آنکه کوشش کنند تا یک شبکه ارتباطی از مفاهیم بوجود آورند مجموعه ای ابتدائی از مقولات را مورد استفاده قرار داده اند.

این واژه نامه بهیچوجه بر اساس طرح راجت نیستند بلکه دنباله رو یکی از ابزارهای باستانی کتابخانه یعنی فهرست^۲ سرعنوانهای موضوعی هستند که اولین بار در قرن نوزدهم در امریکا منتشر شد. معروفترین این سر عنوانها، فهرست^۳ سر عنوانهای موضوعی سیرز که اکنون بیچاپ هشتم رسیده است و دیگری فهرست^۴ سرعنوانهای موضوعی کتابخانه کنگره است که چاپ هفتم آنرا در دست داریم. هدف هر دو اینها تهیه فهرست الفبائی موضوعی برای کتابخانه هایی بوده است که از طرحهای رده بندی استفاده می کنند، سیرز برای کتابخانه هایی که از روش طبقه بندی دیوئی استفاده میکنند و کتابخانه کنگره در درجه اول برای خودش و پس از آن برای کتابخانه های رو به افزایش امریکائی که روش طبقه بندی کتابخانه کنگره را بکار میبرند. در هر دوی آنها فرض بر این است که تمام موضوعات میتوانند به یک لغت یا عبارتی تبدیل شوند که می توانند به موقعیت واحدی تخصیص داده شوند. بعد از جنگ جهانی دوم با پیدایش شیوه های ماشینی و حتی نیمه ماشینی دسته بندی (مثل کارتهای لبه منگنه Edge-notched cards) استنباط شد که اصطلاحات نمایه سازی میتوانند بر خلاف اصطلاحات پیچیده ای نظیر "نگرش والدین به مدرسه" به آنچه که اصطلاحهای ساده خواننده می شود محدود گردند.

¹ - Peter mark roget

² - List of subject heading

³ -

⁴ - Library of congress subject headings

در سیستم برگه های منگنه Punched-cards هر یک از اصطلاحهای "نگرش" "والدین" و "مدرسه" جداگانه بعنوان یک شناسه روی برگه فهرست قرار میگیرند.

که اصطلاحها را تک اصطلاح نامید این سیستم را سیستم "نمایه سازی هم آرا" نام نهاد. روی هر برگه (بوسیله علامت یا سوراخی که زده میشود) تعداد تمام مدارکی که به آن اصطلاح مربوط است ثبت میگردد. با داشتن موضوعی که حاوی این سه اصطلاح است برگه آن را از مجموعه برگه ها استخراج کرده و به دنبال شماره های مشترک روی این سه برگه میگردیم. وقتی که قدرت عظیم هم آرائی را در کامپیوتر در نظر بگیریم و نیز به پیشنهادهایی که H. P. Luhn در سال ۱۹۵۱ درباره سازمان دادن تک اصطلاحها یا توصیفگرها و گردآوری آنها بصورت دسته هائی از مفاهیم در تزاروسها مطرح کرد، توجه کنیم فوائد حاصل از کاربرد روش "پس هم آرائی"^۱ برای تجزیه و تحلیل دقیق مدارک آشکارمیشود. بعد از Luhn فرهنگ اصطلاحهای توصیفگر روش استاندارد شده ای برای تهیه واژهنامه های کنترل شده در استفاده از سیستم بازیابی کامپیوتری اطلاعات گردید و استفاده کننده ظاهراً از سختی و عدم انعطاف سلسله مراتب رده بندی خلاص شد و توانست مجموعه اصطلاحات مورد نیاز و بسیار دقیقتری را انتخاب کند.

نگرش والدین به مدرسه

نگرش والدین به معلم

نگرش به والدین

نگرش کودکان به معلمین هنرها

اگر توصیفگرها با دقت انتخاب شده باشند الزامی نیست که هر اصطلاحی با اصطلاحهای دیگر متصل و متحد شوند زیرا کامپیوتر توانائی انجام هم آرائی های لازم را دارد. سه دسته از افراد برای توصیف یک موضوع مشخص هر کدام اصطلاحهائی را بکار میبرند: نویسنده که آنچه را تصور میکند بیان کننده واقعی موضوعش میباشد برای عنوان نوشته اش انتخاب مینماید، نمایه ساز که برای بیان موضوع نوشته اصطلاحات مناسب را انتخاب میکند، و بالاخره خواننده که آنچه را فکر میکند درباره آن نیازمند اطلاعی است بیان میکند. همانطور که R. A. fair thorne بارها تاکید کرده است این اصطلاحها نه خود موضوع هستند و نه مثل مدرک اطلاعات لازم را درباره موضوع میدهند بلکه همیشه جانشین چیز دیگری شده اند و افراد مختلف ممکن است جانشین های مختلفی را انتخاب کنند. سیستم بازیابی اطلاعات برای اینکه بتواند بخوبی عمل کند باید پیوند دقیقی میان این سه دسته بوجود آورد. در مورد داده ها مشکلات کمتری وجود دارد. معمولاً داده ها، حتی آنهائیکه در زمینه علوم اجتماعی هستند توسط گردآورندگان به کمک واژه نامه های کنترل شده کاملاً تنظیم شده اند، بیشتر داده ها بعنوان کمیت بیان گردیده اند و بنابراین کیفیتهائی که داده ها درباره آنها گردآوری میشوند باید بدقت تعریف و مشخص شوند، بطوریکه تمام آن چیزهائی که کمیت ها را نشان میدهند نمایشگر همان دسته از کیفیتها هم باشند. علاوه بر این، داده ها مطلق هستند، یعنی بیان کننده چگونگی مطلب در تحت شرایط خاص می باشند این امر که بعضی از داده ها نادرست هستند تاثیری در بحث ما ندارد، تا آنجا

^۱ - Post coordinating terms

^۲ - Data

که به سیستم های بازبازی مربوط می شود داده ها بر اساس اصطلاحات گردآورنده به سیستم داده می شود و صحت و سقم آن به سیستم ارتباطی ندارد، از طرف دیگر گفتارها نه مطلق هستند و نه بر طبق واژگان مورد قبول عامه تنظیم شده اند. این بدان معنی نیست که بگوئیم تمام گفتارها از نظر اصطلاحات نادرست هستند (هر چند که بسیاری چنین اند) بلکه غرض اینست که در علوم اجتماعی و بخصوص در علوم انسانی و هنرها، نویسنده بخود حق میدهد که در اثرش اصطلاحهای خودش را بکاربرد. درک این مطلب مشکل نیست زیرا این زمینه ها، اموری دانشگاهی نیستند بلکه با دنیای روزمره سروکار دارند. بنابراین در این دنیا عادت ما اینست که به اشیا نامهایی بدهیم که نه تنها بر حسب تجربیاتمان درست هستند بلکه از آنها نیز به زبان مخصوص خویش بحث میکنیم. البته برای بوجود آوردن مجموعه اصطلاحات استاندارد شده در علوم اجتماعی کوششهای زیادی شده است، ولی تاکنون هیچیک توافق عمومی و جهانی را جلب ننموده است و در نتیجه اصطلاحاتی که یک خواننده برای بیان احتیاجاتش مورد استفاده قرار میدهد همیشه با اصطلاحاتی که نویسنده بکار میبرد و باید در جهت رفع آن احتیاجات باشد تطبیق نمی کند، و این خود دلیل است بر لزوم ایجاد یک ساخت مفهوم و قابل درک در زبان نمایه سازی که در هر سیستم ذخیره باید مورد استفاده قرار گیرد. البته نباید ترتیب الفبائی را بطور کلی رد کرد، زیرا در سیستمهای ماشینی چکسلواکی و امریکائی با موفقیت مورد استفاده واقع شده است ولی ترتیب الفبائی باید در جائی بکار رود که هیچ نوع شکل تنظیم دیگری قابل استفاده نباشد. با وجود آنکه لغات انتخابی افراد با هم تفاوت دارد هم نویسنده و هم خواننده سعی میکنند حقیقتی را که مستقل از هر دوی آنهاست بیان کنند و تا حدودی درباره مطلب، اطلاعاتی دارند ولی همیشه این تمام قضیه نیست و معلوم نیست که دانش آنها کامل باشد. هر دو هدفشان تکمیل زمینه علمی خویش است و آنچه که در بین آنها مشترک است ابداع قالب یا ضوابطی است که هم اصطلاحات نویسنده در آن جای بگیرد و هم خواننده را در بیان دقیق پرسش خود یاری دهد. بنابراین سیستم باید جای هر مفهومی را تعیین کند و اینکه چه کلماتی را باید بکار برد مهم نیست.

با اطلاق اصطلاح "اطلاع رسانی"¹ به رشته جدید کنترل و توزیع اطلاعات همکاران روسی ما در VINITI نه تنها از ریاضیات و مهندسی کامپیوتر، بلکه از فلسفه روانشناسی و جامعه شناسی و زبان شناسی نیز استفاده کرده اند. این علوم اگر مهم تر نباشند لاقلاً با سایر جنبه های اطلاع رسانی مساویند زیرا امروز بزرگترین مشکل در علوم اطلاع رسانی اینست که چطور از تبدیل آنها به تکنولوژی محض جلوگیری شود. در ایالات متحده که تکامل کامپیوتر از آنجا سرچشمه میگردد قویاً تصور می شود که "اطلاع"² به عنوان نوعی کالا وجود دارد، اگر تسلیم این تصور شویم شاهد نمایش عظیمی خواهیم بود که بر کاغذ نقش شده اند و از طریق عملیات پرخرج و پیچیده کامپیوتر تغییر شکل می دهند تا دوباره بر کاغذهای دیگری ظاهر شوند، میزان موفقیت رقم است و علائمی که در کامپیوتر بر آن عمل کرده اند. تولید افزوده نوشداروی همه محرومیت های عقلی میگردد. شاید بهترین مثال این امر فهرست Kwic باشد. Kwic را بطور کلی بسختی میتوان یک فهرست دانست چون

¹ - Informatics

² - Information

منحصراً صورتی از کلمات است صورتی که هیچ کمکی به استفاده کننده نمی کند و علاوه بر آن هیچ کوششی هم برای هماهنگی و پیوند مفاهیم نمی نماید. در حقیقت ویراستاران Kwic حتی پیشنهاد آزمایش آنرا نیز رد می کنند. نتیجه این است که بعد از یک نگاه انتقادی سریع Kwic در قفسه ها بدون استفاده می افتد. تنها جایی که چنین فهرستی مفید تشخیص داده شده است مثل Czech Index Radiohygieneus جایی است که از آن نه مستقلاً بلکه بعنوان مدخلی بر توالیهای رده بندی شواهد استفاده شده است. رده بندی و نمایه سازی دو روی یک سکه هستند و هرگز با ظهور کامپیوتر کهنه و غیرقابل استفاده نمی شوند. برعکس پیشرفته ترین کار در تجزیه و تحلیل موضوعی، مثل آن تجزیه و تحلیلی که در سیستم Precis برای استفاده با برنامه (Machin Redable catalogue) در حال رشد است کتابشناسی ملی بریتانیا نه تنها متکی بر انکار رده بندی نیست بلکه به تکنیکهای پیچیده رده بندی اتکاء دارد که مبتنی بر تفکر جدید درباره علمی است که به بررسی ذهن انسان میپردازد. اگر بخواهیم که ابزارهای کتابشناسی به جای آنکه خواننده را منحرف کند به او یاری دهد باید با مسائل زیادی مواجه شده و آنها را حل کنیم سیستمی مانند Precis که براساس طرز تلقی استفاده کنندگان ایجاد شده هدفش اینست که نهایت بهبود را در اختصاص دادن مفاهیم با نهایت انعطاف پذیری توأم نماید به این ترتیب منابع اطلاعاتی مثل کتابخانه سنتی بر طبق نحوه تفکر مراجعه کننده از انتظام کتابخانه تنظیم میگردد، جدول های رده بندی باید استفاده کننده را وادار کند که واضح تر و روشنتر فکر کند رده بندی جنبه ای از خشکی قرن نوزدهمی در طبقه بندی اجتناب می کند زیرا، تجزیه و ترکیب را با یکدیگر توأم میسازد، تجزیه در هنگام طبقه بندی و ترکیب در هنگام استفاده از آن مثلاً در مورد کلماتی مثل capital به ما کمک میکند اگر بدانیم که راجع به Capital interests یا Capital cities بحث میکنیم. این نوع کمک که از حداکثر دقت و تهذیب در نمایه و واژه نامه سرچشمه میگیرد به کامپیوتر امکان میدهد که نقش مهمی در بهبود کنترل اطلاعات بازی کند. در حالیکه استفاده از کلیه واژه های الفبائی یا حتی زبان طبیعی نویسندگان چندان چیزی به اطلاعات پژوهشگر نمی افزاید. اگر استفاده کننده لغتی را انتخاب کند و چیزی دستگیرش نشود چطور میتواند بفهمد که آیا حقیقتاً در منبع چیز قابل استفاده ای وجود دارد یا نه؟ همچنین اگر او لغتی را برگزیند و چند مرجع بیابد، ممکن است فکر کند که در تحقیقش موفق شده است، در حالیکه امکان دارد مرجعهای بارزش دیگری در تحت یک واژه مترادف یا اصطلاح دیگری که با آن ارتباط دارد فهرست شده باشد، در فهرست Kwic بعنوان مثال مرجع هائی زیر لغت های "Abroad" و "Foreign" Overseas " دارد، فقط به این دلیل که این لغات در عنوان مقاله ظاهر میشود و هیچ ارجاع یا چیزیکه آنها را به هم متصل کند داده نشده است. هدف فهرست اینست که استفاده کننده قادر باشد یک موضوع را با اصطلاحات مورد نیاز خود بیان کند، و باید سیستم نمایه سازی تا سرحد امکان مانع کار او بشود.

وقتیکه مراجعه کننده بدنبال چیزی میگردد نباید دست خالی بازگردد سیستم باید راهنمای او باشد مراجعه کننده نباید فقط جزئی از موجودی را برگزیند سیستم باید برای تحقیق مسیرهای چندگانه ای را نشان دهد، که چطور بسئوالش نظم و دقت و صراحت ببخشد. اگر نقشی را که روشهای جدید طبقه بندی میتوانند در ایجاد زبان نمایه سازی قابل قبول و نیز روشن کردن استراتژی تحقیق بازی

کنند بپذیریم مسلماً قادر خواهیم بود که بنحو موثر و صرفه جویانه ای از تمام توانائی سیستم خودکار کنترل اطلاعات استفاده کنیم. در صورت تحقق این امر میتوانیم ادعا کنیم که از عهده این کار بزرگ برآمده ایم و از فهرست هائی که تحقیق و تتبع امروزی بوجود آمده است استفاده کرده ایم.

[ابتدای صفحه](#)